اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش اول



جهل

حجةالاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا

ازآنجاکه ماهیت حقیقی انسان بعد روحانی و معنوی اوست، خداوند هم در ارزش‌گذاری وی صفات معنوی را معیار قرار داده است. ازجمله این معیارها برتری عالمان بر جاهلان است. چنان‌که فرمود: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ﴾:[1] بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان‌اند؟ ازاین‌رو اولین هدیه خداوند به انسان دانش است. چنان‌که فرمود: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾:[2] بخوان به نام پروردگارت که آفرید؛ انسان را از علق آفرید؛ بخوان و پروردگار تو کریم‌ترین است؛ همان که به‌وسیله قلم آموخت.[3]

همان‌طور که علم و دانش برترین ویژگی انسان و عامل برتری‌یافتن اوست، جهل و نادانی هم بدترین دردی است که انسان می‌تواند به آن مبتلی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از سخنان خود جهل را این‌گونه معرفی می‌فرماید:

«الجَهلُ أدْوَأُ الدّاءِ:[4]جهل دردناک‌ترین درد است».

«الجَهلُ فَسادُ کُلِّ أمرٍ:[5]جهل موجب خرابی هر کاری است».

«الجَهلُ أصْلُ کُلِّ شَرٍّ:[6]جهل ریشه تمام بدی‌هاست».

با این اوصاف امام عسکری علیه السلام در وصف جهل فرمودند: «ألْجَهْلُ خَصْمٌ:[7] جهل دشمن جان و هستی انسان است»؛ زیرا با هرچه نمی‌شناسد به دشمنی می‌پردازد، بدون آنکه بررسی کند آیا آنچه دشمن می‌شمارد مفید است یا مضر؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «النّاسُ أعْداءُ مَا جَهِلُوا:[8]مردم دشمن ناشناخته‌های خود هستند».

درحقیقت جهل یعنی ناداری کامل و تهی‌دستی است از هر چیزی که انسان را در رسیدن به مقصدش یاری می‌کند. در مصادر اهل سنت از حسن‌بن‌علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: «لا فَقرَ أشَدُّ مِنَ الجَهلِ:[9]ناداری‌ای شدیدتر از جهل نیست».

پیامبرصلی الله علیه و آله فرمودند: «صِفَةُ الجَاهِلِ: أن یَظلِمَ مَن خَالَطَهُ وَ یَتَعَدّی علی مَن هُوَ دُونَهُ، وَ یَتَطاوَلُ علی مَن هُوَ فَوقَهُ، کَلامُهُ بِغَیرِ تَدَبُّرٍ:[10]ویژگی جاهل این است: با همنشینان خود به ظلم رفتار می‌کند و بر زیردستان خود تعدی می‌کند و از بالاتر از خود سرکشی می‌کند، سخن‌گفتنش بدون تفکر است».

حتی در مقابل خدای خود هم موضع‌گیری می‌کند. ربیع‌بن‌خیثم در تفسیر آیه ﴿یَا أَیُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِیمِ﴾:[11] ای انسان، چه چیز تو را دربارهٔ پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟ می‌گوید: «ألْجَهْلُ:[12]نادانی[علت آن است]».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مِن اَخلاقِ الجَاهِلِ: الإجابَةُ قَبلَ أنْ یَسمَعَ؛ وَ المُعارِضَةُ قَبلَ اَنْ یَفهَمَ؛ وَ الحُکمُ بِمَا لایَعلَمُ:[13] از اخلاق جاهل این است: قبل از آنکه بشنود پاسخ می‌دهد و قبل از آنکه بفهمد به ستیزه برمی‌خیزد و بدون آنکه بداند حکم می‌کند».

حتی غیر از حکم خود را درست نمی‌شمرد. ابن‌مسعود می‌گوید: «یُحسَبُ المَرءُ مِنَ العِلمِ أن

يَخَافَ اللهَ، وَ بِحَسَبِهِ مِنَ الجَهلِ أن يُعجِبَ بِعَمَلِهِ:[14] انسان از طبقه علما حساب می‌شود وقتی که از خدا بترسد و برای اثبات نادانی او همین بس که فقط کردار خود را پسندیده بداند».

با توجه به روایات گذشته، شخص جاهل دشمن خوبی‌ها، و کینه توز نسبت به خوبان و منکر حقیقت است؛ زیرا جاهل قبل از درک حق یا باطل بودن چیزی به معارضه با آن می پردازد، و با هر رخدادی خارج از اصول برخورد می‌کند. درنتیجه با هرچیزی به مخالفت و دشمنی برمی‌خیزد، و از گفتن هر تهمت و ناسزایی کوتاهی نمی‌کند. امروزه در میان مسلمانان، با وجود این‌همه تأکیدات دینی، می‌بینیم به‌جای مهربانی و همکاری و رعایت انصاف و حسن‌ظن به برادران مسلمان، به خاطر سوء ظن ها و تهمت‌های بی‌اساس چه فتنه‌ها و خونریزی‌هایی دامن‌گیر جوامع اسلامی شده است. ریشه بسیاری از این نابسامانی‌ها، جهل و بی‌اطلاعی مسلمانان راجع به اعتقادات و رفتار دیگر برادران مسلمان خود است؛ که با اتهام کفر و فسق، شمشیر بر روی هم می‌کشند، و جرائمی را مرتکب می‌شوند که همگی در تضاد با اصول اسلامی و انسانی است.

در این راستا ابوموسی از پیامبرصلی الله علیه و آله نقل می کند: «إنَّ مِن وَرائِكُم أيّاماً يَنزِلُ فِيهَا الجَهلُ؛ وَ يَرفَعُ فِيهَا العِلمُ؛ وَ يَكثُرُ فيها الهَرَجُ. قالوا: يا رَسُولَ اللهِ، وَ مَا الهَرَجُ؟ قَالَ: القَتلُ:[15]در آینده روزهایی بیاید که جهل حاکم شود، و علم رخت بربندد و در آن هرج بسیار شود. از آن حضرت پرسیدند: مقصود از هرج چیست؟ فرمود: کشتار».

در این روایت به صراحت بیان می کند که؛ از عوامل اصلی تفرقه و نابسامانی میان مسلمانان عدم آگاهی آنان از زمان خود و اهل آن است؛ و همین نادانی دست مایه ریخته شدن خون بسیاری از مسلمانان به دست یکدیگر شده است.

.[1] زمر: 9.

[2]. علق: 1-۴.

[3]. همان.

[4]. آمدی، غرر الحکم، ص820.

[5]. همان، ص930.

[6]. همان، ص819.

[7]. ری‌شهری، منتخب میزان الحکمة، ص1239.

[8]. همان، ص۱۲۶۶.

[9] . ابن‌ابی‌الدّینار، الورع، ص122؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج۳، ص۱۶۹؛ قضاعی، مسند الشهاب، ج۲، ص38؛ بیهقی، شعب الایمان، ج۴، ص157.

[10]. حرّانی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ص13.

[11]. انفطار: ۶.

[12]. ابن‌ابی‌شیبه، المصنّف، ج8، ص203 و 210.

[13]. ری‌شهری، منتخب میزان الحکمة، ۱۲۵.

[14]. ابن‌ابی‌شیبه، المصنّف، ج۸، ص158 و 212.

[15]. همان، ص۵۹۴.